

## اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)

[ 20 ] کرشخص تراسایه نیفتد چه عجب \* تو نوري و آفتاب خود سایه تست وله أيضا: کويند که نيست قادر از عين کمال \* بر خلقت شبه خویش حق متعال نزدیک شداینکه رنك امکان کيرد \* در ذات علي صورت این أمر محال وله ايضا: أي علم ملت و نفس رسول \* خلقه کش علم تو کوش عقول أي بتو مختوم کتاب وجود \* وي بتو مرجوع حساب وجود داغ کش ناقه ء تومشك ناب \* جزیه ده سایه تو آفتاب خازن سبحانی تنزیل وحی \* عالم ربانی تأویل وحی آدم از اقبال تو موجود شد چون تو خلف داشت که مسجود شد تا که شده کنیت نو بو تراب \* نه فلك از جوی زمین خورده آب راه حق وهادی هر کمرهی \* ماظلماتیم و تو نور الهی آنکه گذشت از تو وغیري کزید \* نور بداد ابله و ظلمت خرید در کعبه قل تعالوا ازمم که زاد \* از بازوی باب حطه خیبر که کشتاد برناقه لا یؤدی الاکه نشست \* بردوش شرف بای کراسی که نهاد در مرحله علی نه چون است و نه چند \* درخانه حق زاده بجانش سوکند بی فرزندی که خانه زادی دارد \* شك نیست که باشدش بجای فرزند وله ايضا: تجهیل من أي عزیز آسان نبود \* بی از شبهات محکم تر از ایمان من ایمان نبود \* بعد از حضرات مجموع علوم ابن سینا دائم \* بافقه و حدیث وینها همه ظاهر است و بنهان نبود \* جز بر جهلات

---